

هشدار کردهای سوریه (روژآوا) به کردهای ایران در رابطه همسویی با آمریکا

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

اخیرا چند رسانه بین‌المللی گزارش داده‌اند که مقام‌ها و نهادهای آمریکایی با افراد تاثیرگذار در اقلیم کردستان عراق و همچنین برخی سازمان‌های کرد مخالف جمهوری اسلامی درباره سناریوهای احتمالی در صورت گسترش درگیری‌ها در ایران گفت‌وگوهایی داشته‌اند. در برخی از این گزارش‌ها، به بحث‌هایی درباره نقش احتمالی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و سازمان اطلاعات مرکزی اسرائیل (موساد)، احتمال حمایت از تحرکات مخالفان کرد جمهوری اسلامی نیز اشاره شده است.

این گزارش‌ها در حالی منتشر شده که در روزهای اخیر بحث‌هایی در خصوص احتمال اعزام نیروهای زمینی از سوی آمریکا به داخل ایران منتشر شد. کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید، در جلسه مطبوعاتی روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۴، در پاسخ به سؤالی درباره گزارش‌ها در خصوص «مسلح کردن کردها» گفت: «می‌توانم بگویم که رییس‌جمهور تماس‌های متعددی با شیکاگو، متحدها و رهبران منطقه، در خاورمیانه، داشته است. او همچنین درباره پایگاهی که ما در شمال عراق داریم با رهبران کرد گفت‌وگو کرده است. اما هرگونه گزارشی که حاکی از آن باشد رییس‌جمهور با چنین طرحی موافقت کرده، کاملا نادرست است و نباید منتشر شود.»

هرچند، ورود احتمالی سازمان‌های کرد و بالا گرفتن بحث‌ها در خصوص مسائل خلق تحت ستم کرد در مرزهای غربی ایران، ممکن است نگرانی‌های خفته و همیشگی ترکیه را هم نسبت به این چالش مشترک با جمهوری اسلامی بیدار کند و فضای تقابلی برای مقابله با آن شکل گسترده‌تری بگیرد.



یگان‌های زنان روژآوا

هشدار کردهای روژآوا

در حالی که هم‌زمان با ادامه جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، بحث درباره فعال شدن گروه‌های مسلح کرد ایرانی در نوار مرزی غرب کشور بیش از پیش بالا گرفته، شماری از کردهای سوریه و چهره‌های سیاسی کرد در شمال شرق این کشور به همتایان ایرانی خود هشدار داده‌اند که از همسویی با آمریکا علیه جمهوری اسلامی پرهیز کنند. آنان با اشاره به تجربه تلخ خود در سوریه می‌گویند تکیه بر حمایت واشنگتن می‌تواند در نهایت به رها شدن، شکست و از دست رفتن دستاوردهای سیاسی و نظامی منجر شود.

این هشدارها پس از آن مطرح شده که رویترز پیش‌تر گزارش داده بود گروه‌های مسلح کرد ایرانی مستقر در شمال عراق در روزهای اخیر با آمریکا درباره امکان و چگونگی حمله به نیروهای امنیتی ایران در غرب کشور گفت‌وگو کرده‌اند؛ آن هم در شرایطی که آمریکا و اسرائیل حملات هوایی گسترده‌ای را علیه ایران ادامه می‌دهند. با این حال، کردهای سوریه که خود در بیش از یک دهه گذشته تجربه‌ای پیچیده و پرهزینه از همکاری با آمریکا داشته‌اند، اکنون به صراحت می‌گویند کردهای ایران نباید همان مسیر را تکرار کنند.

سعد علی، یکی از ساکنان ۴۵ ساله شهر قامشلی در شمال شرق سوریه، به رویترز گفته است امیدوار است کردهای ایران خود را با آمریکا هم‌پیمان نکنند، زیرا آمریکا در نهایت آنان را تنها خواهد گذاشت. او با لحنی هشدارآمیز گفته است اگر فردا میان واشنگتن و تهران توافقی صورت بگیرد، آمریکا به سادگی از کردها عبور خواهد کرد و آنان قربانی خواهند شد. او خطاب به کردهای ایران گفته است: اشتباه ما را تکرار نکنید.

این سخنان از دل تجربه‌ای برمی‌آید که برای کردهای سوریه هنوز زخمی باز و تلخ است. نیروهای کرد سوریه بیش از ده سال پیش در کنار آمریکا برای جنگ با گروه داعش قرار گرفتند و در سرزمین‌هایی که از کنترل آن گروه بیرون آوردند، منطقه‌ای خودگردان به وجود آوردند. اما در ژانویه امسال، ارتش جدید سوریه به رهبری احمد الشرع در یک حمله گسترده بیشتر مناطق تحت کنترل کردها را تصرف کرد. در آن زمان، کردهای سوریه از آمریکا خواستند برای حمایت از آنان مداخله کند، اما واشنگتن به جای پشتیبانی از آنان، کردها را به ادغام در نیروهای تحت فرمان الشرع تشویق کرد...

امجد کردو، جوان ۲۶ ساله‌ای از کردهای سوریه در قامشلی، می‌گوید تجربه آمریکا برای آنان تجربه‌ای منفی بوده و همین تجربه باید برای کردهای ایران درس باشد...

رویتز در این گزارش، هم‌چنین به نقل از یک منبع کرد ایرانی نوشته است که رهبران سازمان‌های کردی ایران نیز از همین حالا نگران آن هستند که مانند گروه‌های کرد در شمال سوریه «مورد خیانت» قرار بگیرند. به گفته این منبع، رهبران کرد ایرانی از آمریکا خواسته‌اند تضمین‌هایی ارائه کند، هرچند جزئیات این تضمین‌ها روشن نشده است. همین امر نشان می‌دهد حتی در میان خود این گروه‌ها نیز تردید و بی‌اعتمادی نسبت به نیت و پایداری حمایت آمریکا وجود دارد.

در سطح سیاسی نیز مواضع واشنگتن بر این بی‌اعتمادی افزوده است. دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه در گفت‌وگو با رویتز گفته بود اگر نیروهای کرد از شمال عراق وارد خاک ایران شوند، این اتفاق «فوق‌العاده» خواهد بود، اما در پاسخ به این پرسش که آیا آمریکا در آن صورت به آنان پشتیبانی هوایی خواهد داد یا نه، از پاسخ روشن خودداری کرد. تنها دو روز بعد، او لحن خود را تغییر داد و به خبرنگاران گفت که نمی‌خواهد نیروهای کرد وارد ایران شوند. این نوسان در موضع‌گیری، از نگاه ناظران، نشانه‌ای دیگر از نبود تعهد روشن و پایدار در سیاست آمریکا نسبت به کردهاست.

احمد برکات، رییس حزب دموکراتیک پیشرو کرد در سوریه، نیز در گفت‌وگو با رویتز تأکید کرده است که نیروهای کرد ایرانی باید «بسیار با احتیاط» رفتار کنند. او گفته است تصمیم نهایی با خود آنان است، اما از نظر او پذیرفتن دعوت آمریکا و قرار گرفتن در جایگاه نیروی پیشتاز برای مقابله با جمهوری اسلامی یا تضعیف آن، در شرایط کنونی به سود کردهای ایران نیست. این ارزیابی بازتاب نگرانی عمیق‌تری است که در میان بخشی از نیروهای کردی منطقه وجود دارد: این که قدرت‌های خارجی در لحظه نیاز از کردها استفاده می‌کنند، اما در زمان تغییر معادلات آنان را تنها می‌گذارند.

این هشدارها در شرایطی مطرح می‌شود که گزارش‌های قبلی رویتز از تماس‌های اسرائیل با گروه‌های مسلح کرد ایرانی نیز خبر داده بودند. به گفته این خبرگزاری، اسرائیل حدود یک سال است که با این گروه‌ها در اقلیم کردستان عراق گفت‌وگو می‌کند. از این منظر، نیروهای کرد ایرانی نه فقط در معرض کشیده شدن به محاسبات واشنگتن، بلکه در معرض قرار گرفتن در چارچوب راهبردهای گسترده‌تر تل‌آویو نیز هستند؛ راهبردهایی که هدف اصلی‌شان افزایش فشار بر جمهوری اسلامی از طریق گشودن جبهه‌های تازه در مناطق مرزی است.

گزارش رویتز برای توضیح حساسیت این مسئله، به جایگاه تاریخی کردها در خاورمیانه نیز اشاره می‌کند. کردها مردمی هستند که یک قرن پیش، پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری مرزهای جدید خاورمیانه، بدون داشتن کشوری مستقل باقی ماندند. آنان که عمدتاً سنی‌مذهب‌اند و زبانی خویشاوند با فارسی دارند، در منطقه‌ای کوهستانی در مرزهای ارمنستان، عراق، ایران، سوریه و ترکیه پراکنده‌اند. در عراق، کردها توانسته‌اند در سه استان شمالی حکومت منطقه‌ای خود را شکل دهند، اما در دیگر کشورها — از جمله ایران، ترکیه و اکنون سوریه — آرزوی خودمختاری یا تشکیل واحد سیاسی مستقل هم‌چنان دور از دسترس مانده است.

گزارش رویتز، نشان می‌دهد که با بالا گرفتن احتمال فعال شدن گروه‌های مسلح کرد ایرانی در بستر جنگ جاری، صدای هشدار از درون جامعه کردهای سوریه بلند شده است؛ جامعه‌ای که بهای سنگین اعتماد به حمایت آمریکا را از نزدیک پرداخته و اکنون می‌کوشد تجربه خود را به‌عنوان درسی سیاسی به کردهای ایران منتقل کند. پیام اصلی این هشدارها روشن است: ورود به جنگی که طراحی و هدایت آن در دست قدرت‌های خارجی است، بدون تضمین‌های روشن و قابل اتکا، می‌تواند بیش از آن که راهی به سوی خودگردانی یا قدرت بگشاید، به تکرار چرخه‌ای از استفاده ابزاری، رهاشدگی و شکست بینجامد.

کردها در قلب تنش‌ها در سوریه

در سوریه، مذاکرات بین مقامات جدید سوریه و رهبران نیروهای دموکراتیک سوریه (FDS) ادامه دارد. مسائل متعددی مطرح است: ارتش، کنترل مرزها، بازگشت آوارگان، نهادها، آموزش، انرژی و نقش زنان. اما شکاف بین دو طرف هم‌چنان بسیار گسترده است.

مارس ۲۰۲۵، احمد الشرع، رییس جمهور سوریه، و مظلوم عبدی، رهبر نظامی نیروهای دموکراتیک سوریه، توافق‌نامه‌ای را امضا کردند که پیشرفت‌های ملموسی را در مورد وضعیت و جایگاه کردها در نظر گرفته بود. اما بعدها وضعیت تغییر کرد و دولت ترکیه و آمریکا نیز به حمایت از حکومت مرکزی سوریه بر علیه مردم کرد موضع گرفتند.

ترکیه و اسرائیل به‌طور فعال در تلاشند تا این روند را مسدود کنند: آنکارا برای یک دولت متمرکز سوریه تلاش می‌کند، در حالی که تل‌آویو تجزیه این کشور را ترجیح می‌دهد. به‌نظر می‌رسد ایالات متحده، به نوبه خود، با وقوع هر رویدادی، تغییر مسیر می‌دهند. کردها و متحدان آن‌ها از خودگردانی دموکراتیک در یک سوریه متحد، یا یک تعادل پیچیده، حمایت می‌کنند.

در ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۵، تام باراک، سفیر ایالات متحده در ترکیه و فرستاده ویژه سوریه و لبنان، از نیروهای دموکراتیک سوریه به دلیل ادغام کندشان در ارتش انتقاد کرد. او بار دیگر تاکید کرد که سوریه «یک کشور، یک ملت با یک ارتش» است. رهبران کرد بلافاصله پاسخ دادند: «بازگشت به وضعیت قبل از سال ۲۰۱۱ قابل مذاکره نیست، این موضوع منتفی است.» هیچ شکی در مورد بازگشت به تمرکزگرایی قبل از جنگ وجود ندارد. نیروهای دموکراتیک سوریه موافقت کردند که به ارتش بپیوندند، اما به عنوان یک نیروی خودگردان و با هماهنگی دمشق.

پیامدهای قتل عام دروزی‌ها

گزارشی از عفو بین‌الملل سوریه مسئولیت نیروهای دولتی و متحدان آن‌ها را در اعدام ده‌ها دروزی در ۱۵ و ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۵ تایید می‌کند: ۱۵ ژوئیه، نیروهای دولتی اعلام کردند که وارد شهر سویدا شده‌اند. (...) تشدید خشونت تنها با عقب‌نشینی نیروهای دولتی در اواخر شب ۱۶ ژوئیه و برجای گذاشتن ده‌ها جسد کشته شده پایان یافت. در برخی از ویدیوهای تایید شده، مردان مسلح با لباس فرم و بدون نشان، در حال راندگی کامیون‌هایی با آرم وزارت کشور دیده می‌شوند.

دروزی‌ها، مردمی که از شاخه‌ای از تشیع نشأت گرفته‌اند، از زمان این قتل عام‌ها در خط مقدم بوده‌اند. رهبر معنوی آن‌ها در سوریه، حکمت الهجری، خواستار جدایی اداری از دمشق شده است. اما ولید جنبلاط، رهبر حزب سوسیالیست مترقی و جامعه دروزی‌ها در لبنان، به ما گفت که به شدت با این موضوع مخالف است:

من مخالف جدایی دروزی‌ها از دولت سوریه هستم؛ زیرا این به معنای تجزیه کشور خواهد بود. طرح اولیه اسرائیل و صهیونیست‌ها تجزیه کل منطقه، با شروع از سوریه است. (...) دروزی‌ها قرن‌هاست که در کنار بادیه نشینان در یک منطقه زندگی می‌کنند؛ آن‌ها را نمی‌توان از هم جدا کرد.

در ماه مه ۲۰۲۵، جنبلاط برای مذاکره با رهبران الشراع و دروزی‌ها به دمشق سفر کرد:

ما باید برای آشتی بین دروزی‌ها و دولت دمشق تلاش کنیم، کاری که در طول تاریخ انجام شده است. (...) من طرفدار متمرکز کردن همه چیز در دمشق نیستم، بلکه طرفدار این هستم که ساکنان سویدا، چه دروزی و چه بادیه نشین، در یک سوریه متحد با شکل جدیدی از حکومت باقی بمانند، نه مانند گذشته متمرکز، بلکه با مدیریت مشترک پلیس، ارتش و همچنین اقتصاد.

چه خودمختاری؟

مشارکت شبه‌نظامیان طرفدار رژیم در قتل عام علویان در ژانویه ۲۰۲۵ و سپس دروزی‌ها در ژوئیه ۲۰۲۵، بی‌اعتمادی را عمیق‌تر کرده است. و اظهارات اخیر الشرع نیز کمکی به اوضاع نکرده است. ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵، او اعلام کرد که «نیروهای دموکراتیک سوریه نماینده همه کردها نیستند، منطقه‌ای که آن‌ها کنترل می‌کنند عمدتاً عرب است.» پاسخ آلدنر خلیل، یکی از رهبران نیروهای دموکراتیک سوریه، که در ۱۷ سپتامبر در میدانی در قامشلی ایراد شد، کوبنده بود: شما نماینده چه کسی هستید؟ چه کسی شما را به دمشق آورده است؟ سواحل سوریه، شمال شرقی سوریه و سویدا شما را نمی‌پذیرند، و علویان، دروزی‌ها، ایزدی‌ها، ارمنی‌ها و سنی‌ها نیز شما را نمی‌پذیرند. هیچ انتخاباتی برگزار نشده است، شما نماینده چه کسی هستید؟

شهرزاد الحسین الجاسم از دیرالزور، عضو زنوبیا، یک انجمن زنان عرب مستقر در رقه، توضیح می‌دهد که او جزو اعرابی نیست که می‌خواهد از کردها جدا شود. ما نمی‌خواهیم دمشق به منطقه ما بازگردد زیرا دولت دمشق یک دولت تک‌رنگ است؛ یک دولت فراگیر نیست. مردم دیرالزور از نیروهای دموکراتیک سوریه حمایت می‌کنند. ما می‌خواهیم با آنها بمانیم. ما خواهان حکومتی غیرمتمرکز هستیم.

ژرژت بارسوم، نماینده اتحادیه زنان سریانی، تایید می‌کند:

«پس از نبرد علیه داعش، ما سازمان‌های خودمان را ایجاد کردیم و نه تنها برای زنان، بلکه از نظر عملکرد دموکراتیک جامعه نیز به دستاوردهایی دست یافتیم. ما بسیار می‌ترسیم که این دولت خودخوانده در دمشق بخواید دستاوردهای ما را از بین ببرد. آن‌ها پروژه حکومت خودگردان ما را نمی‌خواهند.»

با وجود همه این بحث‌ها در مورد مسائل خاص ادامه دارد. در دمشق، الهام احمد، وزیر امور خارجه اداره خودمختار شمال و شرق سوریه (AANES)، با اسعد الشیبانی، وزیر امور خارجه سوریه، دیدار کرد. آن‌ها در مورد کنترل مرزها، بررسی مدیریت مشترک و بازگشایی فرودگاه قامشلی بحث کردند. مدارک دانشگاه‌های کوبانی، قامشلی و رقه اکنون توسط دمشق نیز به رسمیت شناخته شده و زبان کردی عملاً پذیرفته شده است.

بازگشت آوارگان هم‌چنان معلق است: تقریباً ۳۵۰ هزار نفر که در جریان حملات ترکیه به عفرین در سال ۲۰۱۸ و سپس به تل ابیض و راس العین در سال ۲۰۱۹ رانده شدند، هنوز در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند. توافق ۱۰ مارس ۲۰۲۵، بازگشت آن‌ها را فراهم می‌کند، اما شبه‌نظامیان طرفدار ترکیه از ترک این مناطق خودداری می‌کنند.

هوزان احمد، دبیر دفتر روژاوا اروپا، توضیح می‌دهد: «بازگشت آوارگان از عفرین به توافق کامل در مورد ارتش مرتبط است. ترکیه ابتدا می‌خواهد نیروهای دموکراتیک سوریه (FDS) خلع سلاح شوند تا به نیروهای نیابتی خود دستور دهد منطقه را ترک کنند (...).» با این حال، مسئله انرژی ساده‌تر به نظر می‌رسد: کردها میادین نفت و گاز در شمال شرقی و دیرالزور را کنترل می‌کنند، اما می‌گویند که این منابع متعلق به همه سوری‌ها است.

در مرزهای ایران چه می‌گذرد؟

گاردین گزارش داده است:

موج‌های شدیدی از حملات هوایی ده‌ها موضع نظامی، پاسگاه مرزی و ایستگاه پلیس را در امتداد بخش‌های شمالی مرز ایران و عراق هدف قرار داده است؛ حملاتی که به‌نظر می‌رسد بخشی از مقدمه‌چینی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل برای گشودن جبهه‌ای تازه در جنگ با ایران باشد. یک مقام آمریکایی آگاه از گفت‌وگوهای واشنگتن با مقام‌های کُرد گفته است که در صورت عبور نیروهای پیشمرگه کرد از شمال عراق به داخل خاک ایران، آمریکا آماده ارائه پشتیبانی هوایی خواهد بود.

سخت‌گویی ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد که نیروی هوایی این کشور «به‌طور گسترده در غرب ایران عملیات انجام می‌دهد تا توانایی‌های ایران در آن منطقه را تضعیف کند و مسیر دسترسی به تهران و آزادی عمل عملیاتی در آن‌جا را فراهم سازد.»

مقام‌های کُرد به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته‌اند که گروه‌های مخالف کُرد ایرانی مستقر در شمال عراق خود را برای یک عملیات احتمالی فرامرزی در داخل ایران آماده می‌کنند و آمریکا از کُردهای عراق خواسته است از این اقدام حمایت کند.

خلیل نادری، از مسئولان حزب آزادی کردستان (PAK) که در منطقه نیمه‌خودمختار کردستان عراق مستقر است، روز چهارشنبه (۱۳ اسفند - ۴ مارس) اعلام کرد که بخشی از نیروهای این حزب به مناطق نزدیک مرز ایران در استان سلیمانیه منتقل شده‌اند و در حالت آماده‌باش قرار دارند. به گفته او، مقام‌های آمریکایی با رهبران گروه‌های اپوزیسیون کُرد درباره یک عملیات احتمالی تماس گرفته‌اند. او جزئیات بیش‌تری ارائه نکرد.

در همین حال، به گفته مقام‌های محلی، گروه‌های مسلح بلوچ مخالف حکومت تهران نیز از پایگاه‌های کوهستانی دورافتاده در پاکستان به سمت مرزهای ایران حرکت کرده‌اند.

کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که حمایت از گروه‌های مسلح جوامع اتنیکی ایران «لانه زنبور را خواهد شوراند»، شکاف‌ها را در این کشور متنوع تشدید کرده و در صورت فروپاشی رژیم فعلی، خطر یک جنگ داخلی پرآشوب را افزایش می‌دهد.

رسانه‌های آمریکایی گزارش داده‌اند که دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا اوایل این هفته با دو تن از رهبران گروه‌های کُرد ایرانی مستقر در شمال عراق تماس تلفنی داشته و آمادگی خود را برای حمایت از گروه‌هایی که حاضرند برای سرنگونی حکومت دست به سلاح ببرند، اعلام کرده است.

به گفته مقام‌های پیشین اطلاعاتی و دفاعی در اسرائیل، آمریکا و دیگر کشورهای منطقه، پس از جنگ کوتاه ایران و اسرائیل در تابستان گذشته، عملیات مخفیانه در مناطق شمال‌غربی ایران - که بیش‌ترین جمعیت کُرد را دارند - افزایش یافته است.

در ماه ژانویه، گزارش‌هایی از درگیری میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌هایی از پیشمرگه‌های کُرد که از ترکیه و عراق وارد ایران شده بودند منتشر شد. دو هفته پیش نیز پنج سازمان رقیب کُرد ایرانی به رهبری حزب دموکرات کردستان ایران ائتلاف جدیدی با هدف سرنگونی حکومت تهران تشکیل دادند. سپس یکی دیگر نیز به آن‌ها پیوست و شش سازمان شدند.

حزب کومله کردستان ایران به رهبری عبدالله مهتدی چهارشنبه ۱۳ اسفند با انتشار بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که از امروز به «ائتلاف احزاب کردستان» می‌پیوندد؛ ائتلافی که پیش‌تر با حضور پنج حزب کُردی تشکیل شده بود.

بیانیه دفتر سیاسی این حزب، با خطاب قرار دادن «مردم مبارز کردستان» و «دوستان و دلسوزان اتحاد مردم کُرد» تأکید کرده است که کومله طی سال‌های گذشته برای «تحقق همگرایی و اتحاد میان احزاب کُرد» تلاش کرده و در ماه‌های اخیر نیز «حضور فعال و همه‌جانبه در مرکز دیالوگ احزاب کردستان ایران» داشته است.

این حزب در بیانیه خود تصریح کرده است که بر دو موضوع کلیدی «یکپارچه‌سازی نیروی پیشمرگه» و «مدیریت مشترک کردستان در دوران گذار» پافشاری داشته و همچنان آن‌ها را «اهداف راهبردی» می‌داند. در بخش دیگری از بیانیه آمده است «امروز شاهد آنیم که در روزهای اخیر، دورانی نوین آغاز شده است» و منطقه با «احتمال تغییرات عمیق و وسیع» روبه‌روست؛ وضعیتی که به گفته کومله، «بیش از پیش، ضرورت وحدت، هماهنگی و اقدام مشترک را ایجاب می‌کند.»

ائتلاف پنج‌گانه احزاب کُرد با عنوان «هم‌پیمانی نیروهای سیاسی کردستان ایران»، پنجم اسفندماه با حضور حزب آزادی کردستان (پاک)، حزب دموکرات کردستان ایران (حداکا)، حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، سازمان خبات کردستان ایران و کومله زحمتکشان کردستان اعلام موجودیت کرد. در آن زمان نام حزب کومله کردستان ایران در میان اعضا دیده نمی‌شد.

یکی از مقام‌های پیشین وزارت دفاع آمریکا که تجربه عملیات مخفیانه دارد گفت: «نخستین گام در چنین سناریویی این است که گروه‌ها را با هم هماهنگ و متحد کنید.»

سخت‌گویی حزب دموکرات کردستان ایران، تأیید یا تکذیب نکرد که مصطفی هجری، رهبر این حزب، یکی از دو رهبر کُردی بوده که ترامپ با او تماس گرفته است. او اما گفت وظیفه «جوامع آزاد و دموکراتیک در سراسر جهان است که در دستیابی به آزادی (به کُردهای ایران) کمک کنند.»

سخت‌گویی حزب دموکرات کردستان گفت: «ما فکر می‌کنیم که رژیم در وضعیت بسیار ضعیفی قرار دارد... و به‌زودی شاهد روزهای پایانی خود خواهد بود.» هجری روز چهارشنبه از نیروهای نظامی ایران خواست پست‌های خود را ترک کرده و «به خانواده‌هایشان بازگردند.»

حزب دموکرات کردستان ایران اعلام کرد که هجری این فراخوان را «با توجه به حملات مداوم آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات نظامی و امنیتی رژیم، که تهدیدی مستقیم و جدی برای جان سربازان، به‌ویژه در کردستان، محسوب می‌شود»، صادر کرده است.

ایالات متحده پیش از این نیز بارها از نیروهای کُرد به‌عنوان نیروی کمکی استفاده کرده است؛ از جمله در حمله سال ۲۰۰۳ به عراق و نیز در نبرد با گروه «دولت اسلامی» (داعش) در عراق و سوریه بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹.

با این حال آلیا براهیمی، کارشناس خاورمیانه در شورای آتلانتیک، نسبت به استفاده از نیروهای محلی هشدار داد. او گفت: اگر نبرد زمینی به گروه‌های جدایی‌طلب قومی واگذار شود، ایالات متحده حتی نسبت به درگیری ۲۰ سال پیش، توانایی کمتری برای شکل‌دهی به تحولات میدانی خواهد داشت. اگر سایر استقلال‌طلبان به این نبرد بپیوندند، ممکن است مردم ایران از رژیم تهران حمایت کنند. به‌گفته یکی از مقام‌های پیشین موساد، ماموران این سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل هم‌اکنون در داخل ایران فعال هستند. همچنین برخی تحلیل‌گران می‌گویند مجموعه حملات پهلادی کوتاه‌برد علیه واحدها و پایگاه‌های سپاه در روزهای اخیر نشانه‌هایی از دخالت اطلاعاتی اسرائیل دارد. یک مقام دفاعی سابق آمریکا که تجربه عملیات مخفی در شمال عراق را دارد گفت حملات پهلادی و سایر حملات هوایی اخیر در مرز ایران و عراق نشان‌دهنده تلاشی برای ایجاد «نقاط دسترسی» است که به مبارزان کُرد با تسلیحات سبک اجازه می‌دهد به ایران نفوذ کرده و در آن سوی مرز پایگاه‌هایی ایجاد کنند. چنین عملیاتی از یک الگوی شناخته‌شده آمریکایی پیروی می‌کند: استقرار تیم‌های کوچک نظامی یا مأموران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی‌آی‌ای) که همراه با نیروهای محلی عملیات زمینی و حملات هوایی را هدایت می‌کنند.

چنین استراتژی‌هایی در سال ۲۰۰۱ در افغانستان و در سوریه و عراق علیه داعش به کار گرفته شد. این مقام سابق گفت: اگر قدرت هوایی کافی داشته باشید و این قدرت به خوبی هماهنگ شده باشد، (کُردها) فقط از میان آوارهای دودآلود عبور خواهند کرد و هرگونه ضدحمله رژیم پیش از آن که نیازی به تیراندازی باشد، درهم شکسته خواهد شد.

با این حال هدف چنین عملیاتی نه «لشکرکشی به سوی تهران»، بلکه منحرف کردن و تحلیل بردن نیروهای نظامی ایران خواهد بود؛ زیرا به باور مقام‌های اطلاعاتی آمریکا، پیشمرگه‌ها با سلاح سبک توان مقابله مستقیم با ارتش ایران و واحدهای سپاه را ندارند. ایالات متحده سال‌هاست که حضور مخفیانه‌ای در شمال عراق دارد و مراکز ارتباطی، پست‌های نظارتی و برنامه‌های آموزشی برای مبارزان کُرد و دیگر مبارزان عراقی ایجاد کرده است. گمان می‌رود اسرائیل نیز در آن‌جا حضور داشته باشد. هم اکسیوس و هم فاکس‌نیوز روز چهارشنبه به‌نقل از یک مقام آمریکایی گزارش دادند که شبه‌نظامیان حمله خود را در داخل ایران آغاز کرده‌اند. با این حال، هیچ تایید رسمی در این مورد وجود ندارد.

باربارا لیف، دستیار سابق وزیر امور خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک تا سال ۲۰۲۵ و از اعضای برجسته مؤسسه خاورمیانه مستقر در واشنگتن دی‌سی، هشدار داد:

اگر دولت به‌طور جدی در حال بازی با برگه کُردها در ایران است، در واقع لانه زنبور را می‌شورانند. من فکر می‌کنم رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه حرف‌های زیادی برای گفتن خواهد داشت و دیگران نیز همین‌طور؛ روی واکنش‌های تند محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق و احمد الشرع، رئیس‌جمهور سوریه حساب کنید. رهبران کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز احتمالاً از چشم‌انداز چنین اقدامی توسط آمریکا بسیار نگران خواهند شد. در همین حال قیاد طالبانی، معاون نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق، اعلام کرد که این منطقه بخشی از درگیری کنونی نیست و بی‌طرفی خود را حفظ خواهد کرد.

خسونت‌های گروه‌های استقلال‌طلب در میان مردم بلوچ ایران در جنوب شرق کشور نیز رو به افزایش بوده است. شبه‌نظامیان در ماه دسامبر به گشت مرزی سپاه پاسداران و یک پاسگاه پلیس حمله کردند.

در همان زمان، جیش‌العدل، فعال‌ترین گروه بلوچ، ائتلاف جدیدی از گروه‌های مسلح را اعلام کرد که هدف آن «تقویت اثربخشی مبارزه» علیه «استبداد» رژیم ایران است.

این ائتلاف مسئولیت ترور فرمانده یک کلانتری در شهر زاهدان را بر عهده گرفت و با صدور بیانیه‌ای از پرسنل نظامی خواست که «تسلیم شهروندان خود شوند تا در این دوران حساس آسیبی به آن‌ها نرسد.»

ترامپ که معرف است روزه‌روز سیاست‌های خود تغییر می‌دهد اکنون می‌گوید کردها نباید وارد جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران بشوند. او در ایرفورس وان، هواپیمای ریاست‌جمهوری، به سوال‌های خبرنگاران جواب می‌داد.

خبرنگار بی‌بی‌سی پرسید که بعضی از ایرانی‌ها نگرانند که کردها بخواهند نوعی منطقه خودمختار ایجاد کنند، همان‌طور که در سوریه و عراق چنین کردند. آقای ترامپ گفت که آمریکا به دنبال این نیست که کردها وارد ایران شوند:

«همان‌طور که می‌دانید ما ارتباط بسیار دوستانه‌ای با کردها داریم، اما نمی‌خواهیم جنگ را پیچیده‌تر از آنچه هست بکنیم. ... من نمی‌خواهم کردها وارد جنگ شوند. نمی‌خواهم بینم کردها زخمی یا کشته شوند. ما رابطه خوبی با آن‌ها داشته‌ایم. آن‌ها خودشان می‌خواهند وارد شوند، اما من واقعا به آن‌ها گفتم که نمی‌خواهم وارد شوند.»

خبرنگار ما از او پرسید که فکر می‌کنید وقتی همه این‌ها تمام شود، نقشه ایران همان‌طور

که هست باقی بماند و ترامپ گفت: «نمی‌توانم به شما بگویم، احتمالا نه.»

تاریخچه مختصر سیاست‌های عرب و آمریکا در رابطه با مردم کرد

اگر تاریخ پشت‌کردم آمریکا و کشورهای غربی به کردها را بررسی کنیم مکرر می‌بینیم که آمریکایی‌ها در نقش دروغین حامی با وعده‌های پوچ و شعارهای ناسیونالیستی از احزاب کردی، استفاده ابزاری کرده و در راستای اهداف راهبردی و تاکتیکی خود از جمله کنترل خاورمیانه، تسلط بر منابع انرژی کشورهای منطقه، نفوذ و دخالت تاکتیکی در امور کشورها و... نقش هم‌پیمان به آن‌ها می‌دهند و بعد از رسیدن به نتایج دلخواه خود به آسانی آن احزاب را رها می‌کند. بسیاری از تحلیل‌گران و سیاست‌مداران معتقدند که هر لحظه باید منتظر بود که آمریکا دوستان امروزی خود را قربانی یک منفعت بزرگ‌تر بکند. اگر از سیاست‌های آمریکایی‌ها و شوروی سابق به مردم کرد در مقابل دیکتاتور محمدرضا شاه ایران در رویدادهای سال ۱۳۲۵ و فروختن احزاب کردی عراق به صدام حسین طی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و همچنین رضایت و حمایت آمریکا و کشورهای غربی برای بمباران شیمیایی کردهای ایران و عراق و انفال و نسل‌کشی مردم کردستان عراق توسط حکومت بعث عراق فاکتور بگیریم؛ نزدیک‌ترین مورد سال ۲۰۱۷ و فریب احزاب کرد حاکم بر اقلیم کردستان عراق، در ماجرای همه‌پرسی استقلال کردستان بود.

همه‌پرسی که با نقشه سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل و تحریک و ایجاد توهم قدرت در احزاب کردی سبب شد که ۲۰ درصد از مناطق تحت حاکمیت کردهای عراق از آن‌ها گرفته شود و بیش‌تر مناطق مهم نفتی و استراتژیک شمال عراق را به کنترل کامل دولت مرکزی بغداد درآورد.

این سیاست آمریکایی-اسرائیلی به احزاب کردهای عراق در نهایت موجب انزوای سیاسی و اقتصادی اقلیم کردستان برای مدت‌های طولانی در منطقه و تحریم از سوی کشورهای همسایه و افول هژمون نسبی این منطقه نیمه خودمختار شد.

کاخ سفید با نپذیرفتن نتایج همه‌پرسی که سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی خود از محرکان برگزاری آن بودند از سویی موجبات رضایت هم‌پیمان ناتوی خود یعنی ترکیه را فراهم کرد و از سوی دیگر، احزاب منزوی و آسیب‌پذیر شده عراق را در سیطره تسلط خود نگه داشت و هم‌زمان روابط خود با دولت مرکزی عراق را نیز تقویت و از منافع اقتصادی و سیاسی آن بهره‌مند شد.

با ظهور رسمی داعش در سال ۲۰۱۴ و گسیل این جریان تروریستی به عراق و سوریه، آمریکایی‌ها برای داشتن پایگاه رسمی در این کشورها و استفاده از نیروهای پیاده‌نظام توانمند در راستای رسیدن به هدف نهایی که همان سرنگونی نظام سوریه (بشار اسد) بود، با اعلام حمایت ظاهری از خودگردانی کردهای سوریه، وارد شمال و شرق این کشور شده و بر چاه‌های نفت و گذرگاه‌های حیاتی مسلط شد.

آمریکا و کشورهای اروپایی تحت عنوان ائتلاف جهانی ضد داعش با نیروهای کرد سوریه که به دفاع از مناطق شمال و شرق سوریه در مقابله با تروریست‌های افراطی پرداخته بودند هم‌راستا شدند؛ ائتلافی که ناخوانده بود و برای طرف غربی تاکتیکی در راستای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر.

به‌طوری که در جریان حملات سال ۲۰۱۹ ترکیه به کردهای سوریه در کوبانی و قتل‌عام مردم آن منطقه که بعدها مشخص شد با چراغ سبز سنتکام و عقب‌نشینی نیروهای آمریکایی روی داده است، همه جهان شاهد عدم حمایت کردهای سوریه از سوی آمریکا برای منافع سیاسی خود بودند.

کارشناسان می‌گویند این سیاست شاید آخرین تیر آمریکا بر پیکر بی‌رُمق مدیریت خودگردان کردهای سوریه باشد و اگر غیرنظامیان مناطق کردنشین سوریه نتوانند از مهلکه حملات تروریست‌های وابسته به جولانی و حملات ترکیه بگریزند فاجعه دردناک‌تری رخ خواهد داد.

در این باره «الهام احمد» از چهره‌های برجسته سیاسی کردهای سوریه در گفت‌وگو با «فاکس نیوز دیجیتال» نسبت به وضعیت کنونی کردها هشدار داد و اعلام کرد که مردم کرد سوریه در معرض تهدیدی جدی قرار دارند. او با انتقاد از رویکرد دولت آمریکا گفته است «ما واقعا انتظار داشتیم موضعی قاطع از سوی آمریکا ببینیم. مردم کرد در خطر نابودی قرار دارند، اما آمریکا هیچ‌گونه تضمین مشخص و ملموسی ارائه نمی‌دهد.»

اما همه این‌ها بار دیگر به جهان یادآوری می‌کند که آمریکا دوست هیچ‌کس نیست و به هیچ پیمانی متعهد نخواهد بود مگر اینکه منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی آمریکا و اسرائیل را تامین کند و سیاست همشگی آمریکا این است که «هر وقت لازم بود می‌فروشم.»

با این حال، روابط خصمانه کردها با دولت ترکیه - که متحد آمریکا و عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است - می‌تواند به یک عامل پیچیده‌کننده بدل شود.

یکی از منابع گفته است:

رئیس‌جمهور با همه در حال گفت‌وگو است؛ با رهبران کُرد صحبت کرده و با رجب طیب اردوغان (رئیس‌جمهور ترکیه) نیز گفت‌وگو داشته است.

میانجی‌گری یک موسسه نروژی برای «مذاکره احزاب کرد و حکومت ایران»

در تیرماه ۱۳۹۸ - ژوئیه ۲۰۱۹، برخی از گزارش‌های غیر رسمی حاکی است که نمایندگان چهار حزب فعال در کردستان در تلاش برای مذاکره با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی ایران هستند.

در این گزارش‌ها از «حزب دمکرات کردستان»، «حزب کومه‌له کردستان»، «حزب کومه‌له زحمتکش کردستان ایران» و «حزب دمکرات کردستان ایران» به‌عنوان طرف‌های احتمالی گفت‌وگو با ایران به میان آمده است.

عمر ایلخانی‌زاده، دبیرکل حزب کومه‌له زحمتشکان ایران در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی کردی «روداو» تأیید کرده که تلاش‌های مقدماتی برای انجام مذاکرات صورت گرفته است.

سازمان نروژی که به عنوان واسطه بین نمایندگان احزاب کرد و جمهوری اسلامی، معرفی شده، «اندیشکده نورف» است. سازمان نروژی نورف که در سال‌های اخیر در میانجی‌گیری بین مخالفان دولت سوریه نیز فعال بوده، روابط خوبی با مقام‌های جمهوری اسلامی دارد.

مقام‌های ارشد این سازمان دی‌ماه ۱۳۹۶، به ایران سفر و با کمال خرازی، رییس شورای راهبردی سیاست خارجی ایران، دیدار کردند. خبر فراهم‌سازی مقدمات گفت‌وگو بین این سازمان‌ها و جمهوری اسلامی ایران در حالی منتشر شده است که در طول یک سال گذشته اخبار گسترده‌ای از درگیری‌های نظامی بین برخی از این احزاب و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی منتشر شده بود. حکومت ایران این احزاب را «گروه‌های تروریستی» می‌داند.

بی بی سی فارسی با شماری از رهبران این احزاب از جمله عبدالله مهتدی، دبیر کل حزب کومه کردستان ایران، و مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران تماس گرفته است. آنها این گزارش‌ها را تأیید نکردند و اما در عین حال آن را رد نکرده‌اند.

با این حال یک مقام ارشد در یکی گروه‌های حاضر در این مذاکرات به بی بی سی فارسی تأیید کرد که دیدارهایی بین نمایندگان احزاب کردی و حکومت ایران انجام شده است.

بر اساس گزارش‌های غیررسمی از سوی گروه‌های کرد نمایندگان در سطح جانشین رهبری و از سوی ایران نمایندگانی از شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه حضور داشته‌اند و محل این نشست نروژ بوده است. برخی از گروه‌های تأثیرگذار کرد مثل پژاک در مذاکرات حضور نداشتند.

شاهد علوی، روزنامه نگار می‌گوید ریاست هیأت ایرانی در این نشست را محمد کاظم سجادیپور، معاون پیشین نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد در ژنو بر عهده داشته است.

پس از قتل عبدالرحمان قاسملو، دبیر کل سابق حزب دمکرات کردستان ایران در ۲۲ تیر ۱۳۶۸ در وین، در حالی که او مشغول گفت‌وگو با نمایندگان جمهوری اسلامی بود، گفت‌وگوها میان این حزب و جمهوری اسلامی متوقف شد.

چند سال بعد، در دهه ۹۰ میلادی، صادق شرفکندی، دبیرکل بعدی این حزب، نیز در رستورانی در برلین کشته شد و دادگاه مشهور به «میکونوس» در آلمان که به پرونده قتل سیاسی صادق شرفکندی دیگر رهبر حزب دمکرات کردستان ایران و سه همراه او رسیدگی می‌کرد، ایران را به «تروریسم دولتی» محکوم کرد.



در دوره ریاست جمهوری جرج بوش، عبدالله مهتدی، عمر ایلخانی‌زاده همراه با فعالین سازمان‌های ناسیونالیست بلوچ و خوزستانی و آذری به واشنگتن رفتند و در جلسه‌ای در زیر پرچم آمریکا و مامورین آمریکایی شرکت کردند. فراخوان‌های مکرر عبدالله مهتدی برای تشکیل جبهه کردستانی و دیدارها و گفت‌وگوهایش با احزاب و سازمان‌های مختلف در این زمینه در راستای همین استراتژی آمریکایی است.

در خرداد ۱۳۸۵ - ژوئن ۲۰۰۶، مهتدی در کنگره ایالات متحده آمریکا در نشستی که از طرف گروه «حقوق بشر کنگره» آمریکا، به ریاست فرانک ولف (جمهوری‌خواه) و تام لانتوس (دمکرات)، و «دیده بان حقوق بشر کردستان» برگزار شد، در کنار دیگر اعضای به اصطلاح «کنگره ملیت‌های ایرانی برای یک ایران فدرال» شرکت کرد و برای پیش برد این ایده، خواهان کمک آمریکا شد.

روزنامه آسو چاپ سلیمانیه، درباره سفر عبدالله مهتدی و همراهانش به واشنگتن نوشت: «اگر چه تاکنون هدف از سفر رهبران کورد ایران به آمریکا مشخص نیست اما پیش‌بینی می‌شود این شخصیت‌های کورد ایرانی در کنگرس آمریکا و چندین مرکز و سازمان جاسوسی دیگر در آمریکا با هم دیدار کنند.»

الجزیره، یک شنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۰۷، در گزارش اعلام کرد: ایالات متحده در سال قبل علاقه مند به همکاری با گروه عبدالله مهتدی، شده است. عبدالله مهتدی که نماینده ارشد این حزب می‌باشد برای شرکت در کنفرانس گروه‌های اقلیت ایرانی به واشنگتن سفر کرد.

مهندی، به الجزیره گفت: «امکان تغییر با حمله آمریکا وجود دارد. بله، همه احساس می‌کنند که یک چیزی در شرف اتفاق افتادن است و چیزی باید اتفاق افتد.»

عبدالله مهندی، هم چنین در سال ۲۰۰۶، در گفت‌وگویی با رادیو همبستگی - استکهلم، رسماً و علناً از محاصره اقتصادی ایران و حمله نظامی به این کشور دفاع می‌کند و حتی به سازمان‌ها و نیروهای ضدجنگ و چپ می‌تازد که چرا با حمله آمریکا و متحدانش به عراق مخالف کردند. او می‌گوید: «به راه‌انداختن جنبشی بر علیه حمله آمریکا و غیره و بر علیه محاصره اقتصادی که صورت نگرفته، به اعتقاد من آب به آسیاب جمهوری اسلامی ریختن است.»

یکی دیگر از افتضاح و رسوایی سیاسی اپوزیسیون راست، داستان «الماسی برای فریب» است. «الماسی برای فریب»، نام فیلمی است که شامگاه ۱۸ خرداد ۱۳۹۰، از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد، موضوعش افشاجاری برنامه‌های براندازانه اپوزیسیون خارج از کشور بود. علیرضا نوری‌زاده، محسن مخملباف، مهرداد خوانساری و عبدالله مهندی از جمله کسانی هستند که نام‌شان در برنامه «الماس فریب» برده شد و چهره برخی از آنان نیز نمایش داده شد. نقش اول این فیلم را یکی از عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی به نام «محمدرضا مدحی» به عهده دارد. محمدرضا مدحی، معروف به حسینی، جانباز شیمیایی و مسئول حراست دفتر حجت‌الاسلام ارومیان نماینده مراغه در مجلس خبرگان بود. او، سال ۱۳۸۷ از ایران خارج شد و به بانکوک رفت. به محض رسیدن به تایلند با برخی از چهره‌های اپوزیسیون مقیم اروپا تماس گرفت و خواهان تشکیل یک شبکه اپوزیسیون شد.

علیرضا نوری‌زاده، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی مقیم لندن به گفته خودش، از کسانی است که مدحی از ابتدا سعی داشته با او تماس برقرار کند. او درباره مدحی به دویچه‌وله می‌گوید: «آقای سردار محمدرضا حسینی ملقب به «مدحی» یا مدحی ملقب به «حسینی» یکی از پاسدارهایی بوده که در جنگ ۷۰ درصد شیمیایی شده است. من شاهد بودم که روزی دو کورتون به بازویش می‌زد و ۸۰-۷۰ تا قرص هم می‌خورد و گاهی اوقات حالش چنان بود که او را به بیمارستان می‌بردند و برای چند روز زیر چادر اکسیژن بود. در این‌ها که تردیدی نیست.»

مدحی به‌مدت یک ماه با نام «سردار مدحی» میهمان ویژه برنامه تلویزیونی علیرضا نوری‌زاده بود. وی در این سلسله برنامه‌ها مطالبی درباره مافیای اقتصادی، آقازاده‌ها و ماموریت‌های وزارت اطلاعات بیان می‌کرد.

بخشی از فیلم «الماسی برای فریب» صحنه خواندن سرود ای ایران توسط گروهی بر روی سن است که دست‌ها را به یکدیگر داده و شال سبز نیز بر گردن دارند. گفتار روی فیلم، به بیننده می‌گوید که این صحنه، پایان کنفرانسی است با نام «گوادلوپ» که در آمریکا برگزار شده است. اما علیرضا نوری‌زاده که یکی از سرودخوانان این صحنه است روایت دیگری دارد. او می‌گوید: «آقای هنری برنار لویی فیلسوف فرانسوی ما را دعوت کرده بود به تالار فرهنگ‌های فرانسه. در آن‌جا ما رفتیم راجع به جنبش سبز در ایران سخنرانی کردیم. خیلی‌ها در آن جلسه بودند، از جمله آقایان مخملباف، کاک حسن شرفی از حزب دموکرات کردستان، کاک عبدالله مهندی از حزب کومه‌له، حسین بر از بلوچ‌ها، دکتر مهرداد خوانساری، جهانشاهی و من. این اصلاً ربطی به گوادلوپ ندارد، بلکه در پاریس در تالار فرهنگ‌ها یک کنفرانس یک روزه برپا شد و ما هر کدام در رابطه با جنبش سبز سخنرانی کردیم. سخنرانی‌هایمان هم روی یوتیوب هست و آخرش هم سرود ایران را خواندیم.»

مدحی، به‌عنوان کسی که تاجر الماس است و از فرماندهان سابق سپاه بوده، جنبشی را به نام «جنبش جمع یاران» تاسیس کرده و می‌گوید که هزاران نفر از نیروهای نظامی و امنیتی داخل کشور در آن عضویت دارند و با او و اهدافش همراهی می‌کنند با نوری‌زاده و هم‌فکران او تماس می‌گیرد.

مدحی، در گفت‌وگویی با رادیو زمانه اظهار می‌کند که هم‌چنان ۲۰ هزار نفر در سپاه پاسداران ایران با شما عضو جنبش جمع یاران هستند. در تصاویر دیگری که در این مستند پخش می‌شود، مدحی را پس از بازگشت به تهران نشان می‌دهد. او، در این فیلم می‌گوید: «این خانم اصرار داشتند که رابطه‌ای بین ما و سفارت آمریکا برای ادامه همکاری برقرار شود. گفت که ما سفارت آمریکا را برای شما تدارک دیده‌ایم و مسئولین آن‌جا هستند و می‌خواهند با شما صحبت کنند. ما با آن‌ها رفتیم سفارت آمریکا. چند نفری نشستند بودند از جمله یکی از ژنرال‌های پنتاگون نشسته بود علاوه بر دیپلمات‌ها و صحبت‌هایی را شروع کردند و مواردی مطرح شد در ارتباط با نوع همکاری در نهایت جواب نه را از من شنیدند.»

در بخش دیگری از این فیلم مدحی، خاطر نشان می‌کند: «صحبت‌ها، مذاکرات و گفت‌وگوهایی شد. او می‌گفت روی تمام کمک‌های ما حساب کنید. ایالات متحده به شما و همراه شماست من به شما خوش آمد می‌گویم و چندین بار این جمله را تکرار کرد...»

مدحی، گفت: «بحث دولت در تبعید از تقریباً یک سال گذشته مطرح بود و به‌عنوان حکومت مخفی مطرح بود. همه پازل‌هایشان تکمیل بود یک گروهی به نام نظامی امنیتی از داخل را کم داشتند و این هم که پیوست، دیگر جای ضعف نداشتند و دیگر عجله کردند برای اعلام دولت در تبعید برای سرنگونی سریع و بدون فوت وقت نظام جمهوری اسلامی ایران.»

پس از ورود محمدرضا مدحی به پاریس، دیدارهایی بین او و امیرحسین جهانشاهی و مهرداد خوانساری از سلطنت‌طلبان صورت می‌گیرد. مدحی: «وقتی ما به آن‌جا رسیدیم با آقای مهرداد خوانساری و آقای امیرحسین جهانشاهی نشست گذاشتیم و قرار ملاقات گذاشتیم در جایی. شروع کردیم به مذاکره کردن که شما چه دارید و ما چه داریم.»

در ادامه این فیلم، صوت گفت‌وگوی جهانشاهی با یکی از رادیوهای خارجی درباره مدعی پخش می‌شود: «ما وارد حکومت شدیم. آن‌ها هنوز وارد ما نشده‌اند و نخواهند شد.» مدعی: «خوانساری یکه‌تاز سلطنت‌طلب‌ها و مغز متفکر جهانشاهی است.»

در این قسمت، تصاویری پخش می‌شود که مدعی در کنار جهانشاهی در پاریس نشسته است. این ویدئویی است از جلسه خصوصی مدعی با یکی از رابطین آمریکا یعنی جهانشاهی. جالب این که نفر سوم که پشت دوربین قرار دارد کسی نیست جز مهرداد خوانساری که او هم در جلسه‌ای محرمانه برای توافق اولیه در راستای تشکیل دولت در تبعید حضور داشته است. مدعی، با اشاره به این فیلم می‌گوید: «این‌جا پاریس است. ۹ دسامبر ۲۰۱۰ یک ربع بعد از شب به وقت محلی در دفتر کار امیرحسین جهانشاهی. در این فیلم در کنار من، امیرحسین جهانشاهی و پشت دوربین مهرداد خوانساری قرار گرفته است.»

در این ویدئو که یک جلسه محرمانه است، مدعی به جهانشاهی و خوانساری دست می‌دهد و می‌گوید در این‌جا شروع اتحاد دو کار داخل و خارج را اعلام می‌کنیم. ما سه نفر متحدیم و شما هم با ما هستید و ما هم با شما هستیم و فقط خواهش می‌کنم ما را پیش دوستان بدقول نکنید و می‌دانم نمی‌کنید. در پایان این ویدئو جهانشاهی و مدعی تأکید می‌کنند که این فیلم نباید پخش شود.

در ادامه این مستند به گزارش صدای آمریکا، تلویزیون اسرائیل و اظهارات نوری‌زاده درباره مدعی اشاره شده است.

در بخش دیگری از این مستند، گفت‌وگوی جهانشاهی با یکی از رادیوهای خارج کشور درباره مدعی پخش می‌شود: «تمام کسانی که با ما متحد می‌شوند تمام کارهایی که کرده‌اند را ما چک می‌کنیم و تمام شبکه‌هایی که دارند را بررسی و کنترل می‌کنیم و وقتی به من رسند با آن‌ها صحبت کنم که همه چیز مطمئن شده باشد. بنابراین، سردار که این‌جا بودند همه گذشته‌شان و همه کارهایی که کرده‌اند و همه امکانات‌شان بررسی شده و صددرصد مطمئن است. ما وارد حکومت شده‌ایم. آن‌ها وارد ما نشده‌اند هنوز و نخواهند شد!»

در ادامه این مستند، تصاویری از نوری‌زاده پخش می‌شود. وی در این ویدئو می‌گوید: «هر تحلیل‌گری و هر برنامه‌سازی منبع دارد. بسیاری از آدم‌های منابع من در درون دست‌گازند. بدون آن‌ها ما کاری نمی‌توانیم بکنیم. تکیه بر اطلاعات آن‌ها کرده‌ایم و شما را روشن کردیم. محقق یک ایمیل برایم می‌فرستاد از وسط و قلب امنیت خانه و فاش می‌کرد برای من. محقق الان با ما است. اون فرد محمدرضا مدعی است.»

در این قسمت مستند، تصاویری از نشست بزرگ اپوزیسیون در پاریس پخش می‌شود که علیرضا نوری‌زاده، محسن مخملباف، امیرحسین جهانشاهی، حسن شرفی سخن‌گو و جانشین دبیرکل حزب دموکرات، عبدالله مهتدی دبیرکل حزب کومه‌له، مهرداد خوانساری، رضا حسین بر، موسی شریفی نماینده حزب همبستگی اهواز و علاوه بر این افراد تعدادی از طیف‌های مختلف توده‌ای - اکثریتی، سلطنت‌طلبان، جمهوری‌خواهان و غیره نیز حضور دارند. در این نشست هم چنین فردی به نام «همل»، مسئول میز ایران در سازمان اطلاعات فرانسه و نماینده سارکوزی که هماهنگی کنفرانس را نیز برعهده دارد، حضور داشت. در ادامه تصاویری از محسن مخملباف در نشست پاریس پخش می‌شود. او، در این کنفرانس می‌گوید: «این پروژه تحقیقاتی ملی پس از یک سال به یک دیگرآگاهی از سوی مردم جهان منجر شده است.»

سازگارا در این جلسه حضور ندارد و اما پیامی را ارسال می‌کند که توسط فردی خوانده می‌شود.

مدعی، در این باره می‌گوید: «دولت در تبعید یک مانیفست و یک گذشته و قانون اساسی داشت. متشکل شده بود از دولت موقت و شورای حفظ امنیت و منافع ملی. بنده به‌عنوان رییس شورای عالی حفظ امنیت و منافع ملی منصوب شدم و امیرحسین جهانشاهی به‌عنوان جانشین من بود. قرار بود ما ۱۵ نفر از اعضای جنبش جمع یاران از داخل سیستم اسم بدهیم و ۱۵ نفر هم آن‌ها برای تشکیل شورای حفظ امنیت و منافع ملی اسم بیاورند و دولت موقت که زیر مجموعه آن قرار می‌گرفت، افرادی بودند از چهره‌های مختلف در داخل و خارج که برای سمت‌های مختلف در نظر گرفته شده بودند. تقریباً همه چیز تکمیل شده بود و چیزی نبود الا اقدام عملی برای براندازی.»

جهانشاهی در مصاحبه با صدای آمریکا: «وظیفه ما و موج سبز و جناب سردار و افرادی که با او هستند و به ما وصل شده‌اند بوجود آوردن شرایط به زانو کشیدن جمهوری اسلامی است.»

داستان «فیلم الماسی برای فریب»، با هر هدفی از جانب حکومت اسلامی، پخش شده باشد؛ اما نشانگر یک حقیقت آشکار در مورد ماهیت ضدانسانی بخش وسیعی از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی حکومت اسلامی است.

به این ترتیب، رسوایی‌های اپوزیسیون راست یکی دو تا نیست. اساساً تشکیل دولت در تبعید و تبدیل شدن بخشی از اپوزیسیون حکومت اسلامی به ابزار دست اهداف و سیاست‌های دولت آمریکا، در رابطه با ایران، بحث تازه‌ای نیست. تاریخ فعالیت اپوزیسیون بورژوازی ایران، با سازمان‌ها و احزاب، نهادها، روزنامه‌نگاران و غیره‌اش، چیزی جز دنباله‌روی از سیاست‌های دولت‌های قدرتمند و یا جناح‌های حکومت اسلامی نبوده است. این طیف‌ها، سال‌هاست آماده شرکت در هر پروژه ارتجاعی، حتی به بهای ویرانی و جنگ و نابودی میلیون‌ها انسان در ایرانند، به شرطی که از سوی صحنه‌گردانان اصلی این پروژه‌ها، به بازی گرفته شوند. اکنون برخی از مشاوران رضا پهلوی، عوامل دیپروزی و یا نفوذی جمهوری اسلامی ایران هستند. مدت‌هاست که هر رضا پهلوی و هواداران و رسانه‌هایشان به نیروی نیابتی و بلندگوش دولت و ارتش اسرائیل تبدیل شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در شرایطی که یک جنگ فراگیر در منطقه و ایران در جریان است هرگونه همکاری با دولت‌ها به ویژه دولت آمریکا و اسرائیل، ضربه زدن به مردم و انقلاب آتی مردم ایران است و عملاً تبدیل کردن ایران نیز به تحولات خونین کشورهای لیبی، سوریه، عراق و افغانستان است. بنابراین، باید عمیق‌تر به وضعیت و تجربه یوگسلاوی، عراق، افغانستان، لیبی، مصر، تونس و...، تاکید کرد و این نمونه‌ها، می‌تواند واقعیت‌های تلخ و دردناک و وحشت‌برانگیز را برای ما آشکار سازد. از این‌رو، اکثریت مردم ایران، خواستار آن هستند تا سرنوشت خودشان و آینده جامعه‌شان را مستقیماً با قدرت و اتحاد و همبستگی خویش در صحنه عینی مبارزه‌شان تعیین کنند. آن‌ها، هیچ نیازی به قیم و جنگ و کشتار داخلی و خارجی ندارند. بنابراین، از یک سو تمام آن جریان‌ها و کسانی که به هر نام و جایگاهی در جهت تشدید جنگ و حمله هوایی و موشکی و غیره آمریکا و اسرائیل و ... حرکت می‌کنند و هیچ ارزشی در نزد مردم ایران ندارند و در آینده نیز نخواهند داشت. در واقع باید به صراحت به آنان گفت که دشمنان مردمند!

امروز به معنای واقعی حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان آن، در مقابل سیاست‌های ائتلاف شش سازمان و حزب کردی، مرزبندی علنی کرده و در کنار کارگران و همه نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب و عدالت‌جو در مقابل آلترناتیوهای رنگارنگ اپوزیسیون راست ایستاده و به نقش تاریخی خود پایبند است. امروز تلاش برای جلب همبستگی بین‌المللی از مبارزات کارگران، دانش‌جویان و جوانان، نویسندگان، هنرمندان و مردم تحت ستم ایران، افشای حکومت چهل و جنایت و ترور اسلامی، آمریکا و اسرائیل و سایر دولت‌های سرمایه‌داری، افشای سیاست‌ها و بند و بست‌های اپوزیسیون راست با دولت‌های غربی، وظیفه همه نیروهای کمونیست و آزادی‌خواه است. در داخل ایران نیز، ضرورت دارد که همه نیروهای آزادی‌خواه و کمونیست با خواست قطع فوری جنگ و سازمان‌یابی جنبش‌های اجتماعی، تلاش برای آزادی همه فوری همه زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، و فراهم ساختن زمینه‌های یک انقلاب سیاسی-اجتماعی مستقل با هدف سرنگونی کلیت حکومت اسلامی تلاش و مبارزه کنند.

جنگ ارتجاعی آمریکا و اسرائیل و حکومت تبه‌کار جمهوری اسلامی وارد مرحله حساسی شده است. بمباران و موشک‌باران‌های آمریکا و اسرائیل برای درهم کوبیدن مراکز و پایگاه‌های نظامی، امنیتی و حکومتی به ویژه در شهرهای مرزی کردستان در مجاورت عراق، از جمله سردشت، بانه، مریوان، سنندج، پاره، بوکان، مهاباد و دیگر شهرها و مناطق کردستان با شدت بیش‌تری ادامه داشته است. این در حالی است که جمهوری اسلامی با وجود وجود شرایط جنگی، حاضر نبوده پایگاه‌ها، مراکز نظامی، انتظامی و امنیتی خود را که در مناطق مسکونی شهر و روستاها مستقر کرده، تخلیه نماید. این حکومت جنایت‌کار برای حفظ نیروهای سرکوبگر خود آن‌ها را در اماکن عمومی، مدارس، مساجد، خوابگاه‌ها و غیره اسکان داده است و عملاً از مردم به‌عنوان سپر انسانی برای حفاظت از نیروهای سرکوبگر خود استفاده می‌کند. این امر احتمال حملات موشکی و پهبادی اسرائیل و آمریکا به آن مکان‌ها را افزایش داده و مردم بی‌دفاع را در معرض خطرات جدی قرار داده است. در چنین شرایطی، مردم شهرها برای محافظت از خود مجبور شده‌اند خانه و کاشانه و شهر خود را ترک کنند و به جاهای دیگر بروند.

بی‌تردید سرنگونی هر حکومتی امر مستقیم جنبش‌ها و مردم آن کشور است و تاریخ نشان داده است که با فشار و جنگ نمی‌توان امنیت و صلح و آرامش و دمکراسی و آزادی برقرار کرد. زیرا خشونت و جنگ و ترور، خشونت و جنگ و ترور را بازتولید می‌کند نه دمکراسی و آزادی. مسئله‌ای که سال‌هاست در عراق و افغانستان و سوریه و لیبی در مقابل چشمان همه ماست!

هرگونه دخالت خارجی در ایران و همکاری با نیروهای خارجی، آن‌هم در شرایط جنگی، اوضاع ایران را نیز شبیه افغانستان و عراق و لیبی خواهد کرد و برای دهه‌های طولانی آسایش و امنیت را از جامعه سلب خواهد کرد. هرگونه معامله با دولت‌ها، علنی و یا در پشت درهای بسته، توهین بزرگی به مردم یک کشور بیش از ۹۰ میلیونی است و تصمیمات سیاسی این نوع توافقات هیچ ارزش و اعتبار سیاسی و اجتماعی پیدا نمی‌کنند و محکوم به شکست هستند.

چهارشنبه بیستم اسفند ۱۴۰۴ - یازدهم مارس ۲۰۲۶